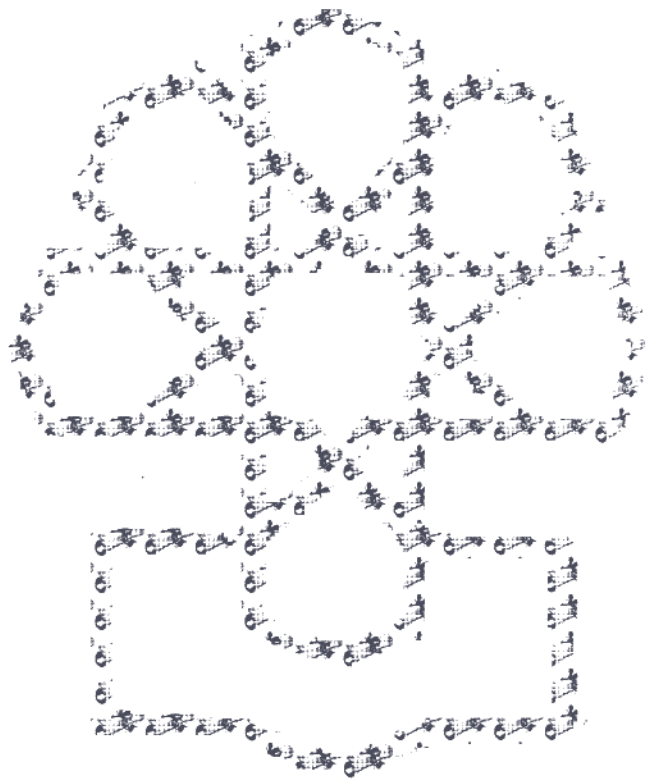




# نگاهی گذرا به کارکردهای نظام آموزش و پرورش کشور



معاونت پژوهشی  
مرداد ۱۳۷۷

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی  
این مطالعه حسب درخواست هیئت رئیسه محترم انجام پذیرفته است.

کد گزارش: ۲۴۰۳۴۹۰

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی  
شماره: ۸۹۵۷  
تاریخ: ۳۰/۵/۷۸

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط تاریخ عصر جدید نشان می‌دهد که پیشرفت اقتصادی و اجتماعی هر ملتی همگام با پیشرفت آموزش و تعلیم است. نشر آموزش و فراهم آوردن وسایل آن، برای حفظ مصلحت فرد و اجتماع بسیار مؤثر است. فرد احساس می‌کند که آموزش مصلح او را تأمین می‌کند و همچنین اجتماع نیز بقا و پیشرفت خود را مدیون آموزش می‌بیند.

تعلیم، فرد را به کامیابی در اجتماع و بهتر نمودن سطح زندگی اجتماعی، اقتصادی، کسب رفاه و آسایش موفق می‌سازد. زیرا او را به مهارت‌ها، عواطف، معارف و روش تفکر مناسبی مجهز می‌نماید و راه پیروزی را به روی او می‌گشاید. آموزش سطح اقتصادی فرد را بهبود می‌بخشد، به این معنی که آموزش علم و دانش فرد را به اجتماع خود بصیر و بینا به اعمالی که سودبخش است آشنا می‌سازد. در نتیجه به قدرت و مهارت بهره‌برداری خود می‌افزاید چنانکه می‌تواند طرق صرف مال را به درستی بشناسد و پیشه مناسبی برگزیند و اسلوبی را پیش گیرد که او را در این پیشه موفق کرده و سطح اقتصادی او را قهراً بالا ببرد.

به وسیله آموزش افراد می‌توانند وضعیت اجتماعی بهتری بیابند. تعلیم، یکی از عوامل ایجاد حریت و آزادی اجتماعی است. کمتر اتفاق می‌افتد که فرد بی‌سواد و عامی مانند افراد با سواد از آزادی اجتماعی برخوردار باشد. همچنین آموزش، عامل بهره‌مندی فرد از مزایای عالی زندگی است، زیرا فرد در سایه تعلیم، بهره خود را از طریق ذوق ادبی و فنی و علاقه به زیبایی و ارزش‌های روحی می‌گیرد و همه این امور از نعمت‌های والای زندگی است که چشم‌ها و دیدگان افراد عامی و بی‌سواد به سوی آنها باز نشست.

بنابراین ضرورت آموزش در همه جوامع امری بدیهی است و تمام دولت‌ها برای نیل به اهداف خود به امر آموزش در راستای تعلیم و شکوفایی استعدادها توجه دارند. حال فرق نظام دینی با سایر نظام‌ها در امر آموزش چیست؟

از دیدگاه مکاتب الهی، انسان تنها یک بعد ندارد، جامعه هم یک بعد ندارد. «سیاست‌های صحیح (غیر الهی) اگر هم باشد امت را در یک بعد هدایت می‌کند و راه می‌برد، و آن بعد حیوانی است، بعد اجتماع مادی است و این سیاست یک جزء ناقصی از سیاستی است که در اسلام برای انبیا و اولیا ثابت است، آنها می‌خواهند ملت را، ملت‌ها را، اجتماع را، افراد را هدایت کنند، راه ببرند در همه مصالحی که از برای انسان متصور است، همان که در قرآن صراط مستقیم است... و به آخرت ختم می‌شود. الی الله است، سیاست این است که جامعه را هدایت کنند و راه ببرد. تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد»<sup>۱</sup>.

حکومت اسلامی علاوه بر تأمین امنیت و ایجاد زمینه‌های رشد اقتصادی و استعدادهای مردم، وظیفه

۱. کد ۱۹ امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۱۳، صفحه ۲۱۷ و ۲۱۸.

تربیت اسلامی آنان را هم به عهده دارد. مصداق آن هم وجود مقدس پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) هستند. در این جامعه فراهم کردن زمینه‌ها برای الهی شدن مردم هدف اصلی است. پس در نظام جمهوری اسلامی نیز همه ارکان نظام، به ویژه آموزش و پرورش مسئول پیگیری این هدف هستند.

بنابراین اگر در نظام‌های بشری، صرف تعلیم و شکوفایی استعدادها به عنوان هدف تعیین شود. در نظام دینی، تعلیم و تربیت عبارت از تعلیم و رشد استعدادهای بالقوه انسان در مسیر پیشرفت مادی و کمال معنوی یعنی در راستای تقرب به خداوند است. یعنی آموزش و پرورش جهت‌دار و به سمتی مشخص است.

پس اگر دو وظیفه تعلیم و تربیت را برای آموزش و پرورش در نظام اسلامی خودمان مورد بررسی قرار دهیم انتظار می‌رود که آموزش در سطحی باشد که مردم را باسواد و با معلومات کند، مایه عنمی کشور را بالا ببرد و دیگر این که مردم به گونه‌ای تربیت گردند که متدین شوند.

«الآن متأسفانه در طبقه متعارف محصل ما، از دبیرستان تا دانشگاه، یک حالت سهل‌گرایی، سهل‌اندیشی و سهل‌انگاری در مسائل علمی و بی‌حوصلگی و بی‌اهتمامی به معلومات وجود دارد... در واقع یک حالت بی‌اعتنایی و بی‌حالی و تنبلی ذهنی بر نسل‌های نوبه‌نو و رو به رشدمان حاکم است، که این برای کشور بسیار خطرناک است. این از کودکی باید در آموزش و پرورش تأمین بشود. آموزش و پرورش باید خوب یاد بدهد.»<sup>۱</sup>

مسئله مهم دیگر در نظام آموزشی این است که آیا هدف انباشتن ذهن دانش‌آموزان از معلومات گوناگون است یا آموزش اصول درست فکر کردن، ایجاد روحیه تحقیق و تتبع، که بی‌شک این هدف نیز بدون کسب معلومات کافی میسر نیست. اگر نظام آموزشی به گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموز هدف از فراگیری دروس مختلف و ارتباط علوم با یکدیگر و در نهایت شیوه‌های تحقیق و درست‌اندیشیدن و عادت به تحقیق و تتبع را بیاموزد، به یقین بهره بیشتری از درس برده و با علاقه افزون‌تر در مدرسه حاضر می‌شود. و اما هدف اصلی حکومت اسلامی یعنی تربیت و تزکیه و آدم‌سازی است که مدرسه نقش مهمی در آن دارد. امروز دیگر تزکیه و تربیت فردی کافی نیست، بلکه با توجه به شکل‌گیری نظام اسلامی، افراد باید به گونه‌ای تربیت شوند که بتوانند وظایف اجتماعی خود را براساس اهداف اسلام انجام دهند. از این دیدگاه، بخش وسیعی از اهداف اجتماعی و کاربردی آموزش و پرورش که به ظاهر مقوله‌ای جدا از دین انگاشته می‌شود، صبغه دینی می‌یابد و احکام تکلیفی بر آنها بار می‌گردد.

## فصل ۱- مسائل ساختاری در آموزش و پرورش ایران

آموزش و پرورش در کشور ما دارای مسائل و مشکلات سیستمی می‌باشد که ذیلاً پاره‌ای از آنها به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱-۱- تنبلی ذهنی

چنان‌که پیشتر ذکر شد در دیدار سال گذشته مسئولان آموزش و پرورش با مقام معظم رهبری، معظم‌له به دو

۱. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای؛ بخشی از بیانات معظم‌له در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت آموزش و پرورش.

نکته اساسی اشاره نمودند که یکی از آنها مبارزه با «تن‌پروری ذهنی» و بی‌اعتمادی و بی‌اهتمامی نسبت به فراگیری علم و دانش در سطوح مختلف بود.

این نکته بیان واقعیتی است دردناک، که در فرهنگ و آموزش کشور به صورت یک بیماری پیش رونده هر روز در پیکر نظام آموزشی کشور گسترش می‌یابد.

امروزه در نظام آموزشی این روحیه که مطالب علمی حتی المقدور به صورت ساده‌تر و بسته‌های آموزشی ساده و دسته‌بندی شده و سهل‌الهضم به دانش‌آموزان تحویل شود به شدت رایج گردیده است. وجود کلاس‌های آموزشی خصوصی، کتاب‌های حل‌المسائل، تدریس‌های خصوصی با قیمت‌های گزاف در منزل، اطلاعیه‌های قبولی و تضمینی و... همه نمونه‌هایی از این سعی و تلاش می‌باشند.

درباره علل موضوع باید گفت که نظام آموزشی ما از آغاز پیدایش، یعنی حدود یک تا یک قرن و نیم پیش که مدرسه‌هایی به سبک اروپایی پدید آمد گرفتار این معضل عمده بود - و هنوز هم هست - که عمدتاً بر محفوظات استوار بوده است نه بر مدرکات؛ و بر قدرت حافظه تکیه داشته است نه بر قدرت فهم.

یعنی اصولاً سعی می‌گردیده که محفوظات ذهنی بیشتر شود و در عملیات انتقال مفاهیم به دریافت مفاهیم خیلی توجه نمی‌شده است. البته در نظام آموزشی سنتی و کهن ما خوشبختانه این دو موضوع وجود نداشته است. بالعکس سعی می‌گردید که از ابتدا دانش‌آموز وادار به دانش و فکر کردن شود. چنان‌که یکی از اساتید به خوبی این نکته را عنوان می‌نمودند که:

طلاب علوم قدیم وقتی در جامع‌المقدمات به آنجا می‌رسیدند که نوشته بود: «بدان ای پسر ایدک الله تعالی...» استاد از آنها می‌پرسید. چرا گفته بدان و نگفته است که بخوان؟» یعنی از ابتدا تشویق به دانستن و فکر می‌نمودند نه خواندن و حفظ کردن.

به هر حال مقابله با سستی و بی‌هدفی در آموزش و پرورش به عنوان یک راه حل باید در نظام آموزشی کشور وارد شود. تغییر اساسی در روش‌های آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان یک راه حل جدی مورد بررسی قرار گیرد.

توضیح این‌که در نظام آموزشی ما، فشارهای آموزشی در مدارس از یک طرف باعث استمرار روش‌های معلم‌مدار می‌شود که شاگرد در آن به موجودی منفعل تبدیل می‌گردد و از طرف دیگر فرصت را برای جستجو، تفکر و خلاقیت از دانش‌آموز سلب می‌کند.

از دیگر دلایل این موضوع این است که متأسفانه در نظام آموزشی کشور ما، معلمان مغز دانش‌آموز را از حقایق حاضر و آماده و تعلیم‌ها و استنتاج‌های گوناگون و پیش‌ساخته انبار می‌نمایند و با این کار خود، حتی فرصت نزدیک شدن دانش‌آموزان به سرچشمه اندیشه‌ها و تفکرات زنده را نمی‌دهند و بدین ترتیب مدرسه که باید معبد شور و شوق برای تحریک کنجکاو‌ی‌ها و محلی برای لحظات دانستن و نشاط برای تفکر باشد، تبدیل به زندانی می‌گردد که چیزی جز محفوظات ذهنی را برای آنها تداعی نمی‌کند.

به هر حال راه حل اساسی برای حل مشکل فوق جهت‌دار نمودن آموزش، تغییر در روش‌های آموزش و همراه آن تغییر در محتوی کتب درسی می‌باشد. در قسمت بعد سه موضوع فوق مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## ۱-۲- هدف از آموزش

شاید یکی از ابتدایی‌ترین سؤالاتی که در مورد آموزش و پرورش به ذهن خطور نماید این است که هدف از

فرایند آموزش و پرورش در کشور ما چیست؟ در بررسی نظام‌های آموزش و پرورش کشورهای دیگر که (در همین گزارش مورد بررسی قرار گرفته است) متوجه می‌گردیم که معمولاً دولت‌ها از آموزش و پرورش اهداف خاصی را دنبال می‌نمایند. این اهداف به‌طور فشرده عبارتند از سوادآموزی، بالا بردن سطح فرهنگ مردم، تربیت نیروی کار، متخصص برای بخش‌های مختلف و در نهایت تربیت نیروهای اندیشمند و محقق در سطوح تخصصی از طریق ادامه تحصیل و ورود به آموزش عالی.

اما در کشور ما این اهداف به درستی تفکیک نشده است و آموزش و پرورش حرکت هدفداری را به دنبال رسیدن به این گونه اهداف دنبال نمی‌کند. در آموزش و پرورش ما همه درس می‌خوانند تا وارد دانشگاه شوند و برای این مهم بارها و بارها در آموزن‌ها و مسابقه‌های ورودی دانشگاه‌ها شرکت می‌نمایند. این مسئله دارای علت‌های متعددی است که پرداختن به آنها از حوصله این گزارش خارج است و خود احتیاج به یک تحقیق مجزا دارد اما تا آنجا که بخواهیم فهرست وار به دست‌بندی این علل بپردازیم می‌توانیم موارد زیر را ذکر نماییم.

الف- فرهنگ جامعه، مردم به فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها با دید دیگری می‌نگرند. این تبعیض و تمایز حتی در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیز دیده می‌شود و توجه مردم به رشته‌هایی مانند پزشکی و مهندسی بیشتر از سایر رشته‌های علوم می‌باشد.

ب- اوضاع اقتصادی جامعه این‌گونه به نظر می‌رسد که تحصیلات دانشگاهی تنها ابزار جوانانی است که قصد اشتغال دارند و فاقد سرمایه و امکانات اولیه برای اشتغال می‌باشند.

ج- تصمیم‌های سالیان اخیر دولت در ممنوع نمودن استخدام کمتر از لیسانس شدیداً به مدرک‌گرایی دامن زده است.

د- مدرک‌گرایی در بین مسئولان و سازمان‌ها و دوایر دولتی: این مسئله شرایطی را ایجاد نموده است که تنها ابزار سنجش افراد تحصیلات دانشگاهی گردیده است. متأسفانه این دیدگاه به مراکز پژوهشی و آموزشی کشور نیز رسوخ کرده و آنها را دچار نوعی مدرک‌زدگی نموده است.

ه- نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت: تفاوتی که در این نظام برای حقوق کارشناسی و به بالا قائل گردیده‌اند باعث گردیده که ارزش مدارک پایین‌تر از کارشناسی از بین برود. این مسئله به حدی حساسیت ایجاد نموده است که ادارات و سازمان‌ها با امتحاناتی که بعضاً به صورت فرمالیته هم برگزار می‌شود به کارمندان دیپلم خود مدرک کارشناسی اعطا نمایند تا آنها را از مزایای حقوق و دستمزد نظام هماهنگ بهره‌مند سازند.

مجموعه عوامل فوق باعث گردیده که ارزش و اهمیت سایر مدارک و مقاطع تحصیلی از بین برود و اقبالی از دوره‌های کار و دانش یا فنی و حرفه‌ای به عمل نیاید.

البته فقدان برنامه‌ریزی کافی و تبلیغات در این زمینه و حتی فقدان قوانین و مقررات لازم باعث گردیده که دوره‌های هنرستان، فنی و حرفه‌ای و کار و دانش که سالیان درازی است که در کشور ما وجود دارد. جایگاه واقعی خود را پیدا ننمایند. در صورتی که این دوره‌ها می‌توانند بهترین محل تربیت متخصصان و تکنسین‌های موردنیاز صنعت و کارخانه‌ها و حتی شغل‌های خدماتی باشند.

عامل دیگری نیز که پیش‌تر به تفصیل بحث گردید به پیچیدگی مسائل فوق کمک می‌کند. این عامل که استوار بودن نظام آموزشی بر مبنای آموختن یک سری محفوظات به دانش‌آموزان و فقدان برنامه‌های عملی

و آزمایش‌های کاربردی می‌باشد باعث گردیده که دانش‌آموزان احساس نمایند در کارهای عملی موفقیت‌چندانی نخواهند داشت و به دنبال رشته‌های نظری و مطالعاتی بروند و این مسئله حتی در دانشگاه‌ها نیز متأسفانه وجود دارد.

به هر تقدیر جا دارد که نظام آموزشی کشور در یک بازبینی اهداف خود را به‌طور شفاف و دسته‌بندی شده مدون گرداند تا براساس آن وضعیت آموزش و پرورش در کشور و دانش‌آموزان مشغول به تحصیل در آن تا حدودی سر و سامان یابد.

### ۱-۳- تغییر در روش آموزش

متأسفانه از دیرباز به دلایل گوناگون روش آموزش در کشور ما استفاده از کلاس درس، معلم، گچ و تخته سیاه بوده است که تاکنون نیز ادامه دارد. در این روش حتی در بهترین حالات مشارکت دانش‌آموزان در فرایند بسیار ناچیز می‌باشد و معلم معمولاً مقداری از مطالب را که خود نیز به همین صورت سنتی آموخته است بر روی تخته نوشته و توضیحاتی هم ارائه می‌نماید که غیر از جنبه فوق‌الذکر یعنی کم بودن مشارکت دانش‌آموز به علت خشک و بی‌روح بودن، این روش تا حدود زیادی کارایی خود را علی‌الخصوص در زمان حاضر از دست داده است در کشورهای پیشرفته سال‌هاست که کلاس‌ها از وسایل و ابزار کمک آموزشی استفاده می‌نمایند.

تدریس در فضای بیرون کلاس و اردوهای علمی یک روزه و حتی چند ساعته در اماکن تاریخی و مراکز علمی، کارخانه‌ها و بیمارستان‌ها... امروزه جزئی از فرایند آموزش عمومی حتی در پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه نیز می‌باشد.

استفاده از ابزارهای کمک آموزشی نظیر فیلم، کاست، عکس‌ها و نقشه‌ها و اپک در کلاس‌های درس امروز این‌گونه کشورها بسیار متداول است. این‌گونه روش‌ها علاوه بر این که فضایی پرشور و نشاط و غیرخسته‌کننده را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند به آنها در مشارکت فعالانه در فرایند آموزش نیز کمک می‌نماید.

البته بلافاصله این مسئله در ذهن متداعی می‌گردد که این روش‌ها و وسایل احتیاج به بودجه دارد و نظام آموزشی امروز حتی قادر به تأمین بودجه همین وضعیت فعلی نیز نمی‌باشد.

در جواب باید اذعان نمود که متأسفانه این اشکال وارد می‌باشد اما به هر حال تجربه مدارس غیرانتفاعی و نمونه مردمی در ایجاد کلاس‌های فوق برنامه نشان می‌دهد. این روش‌ها خیلی هم دور از دسترس نیستند و در پاره‌ای از شهرها و مراکز استان‌ها قابل انجام می‌باشند و در پاره‌ای دیگر نیز می‌توان از روش‌هایی ساده و ارزان باشند استفاده نمود. به عنوان مثال حضور در پارک‌های جنگل و باغ وحش و تدریس مسائل علوم گیاهی و جانوری یا مثلاً حضور در کارخانجات که خوشبختانه امروز حتی در بسیاری از روستاها نیز یافت می‌شوند و تدریس دروس حرفه و فن و مرتبط با صنعت هزینه چندانی غیر از ایاب و ذهاب ندارد. به عنوان جمع‌بندی بحث باید گفت عوض نمودن روش‌های آموزشی می‌تواند یکی از راه‌های فعال نمودن دانش‌آموزان در شرکت مستقیم در فرایند آموزش و وادار نمودن آنها به تفکر بیشتر مدنظر قرار گیرد.

#### ۱-۴- کتب درسی

آموزش و پرورش ایران نظامی کتاب محور است که باتوجه به سرعت تحولات علمی دنیا، محتوی کتب نیازمند به بازبینی گاه به گاه می باشد. از طرفی دیگر محتوی کتابها باتوجه به اشکالات فراوان در امر تجدیدنظر و حجم انبوه مطالبی که نیاز به تجدید و نوشتن دارند نمی تواند جوابگوی نیازهای واقعی و بهنگام دانش آموزان باشد. از سوی دیگر چاپ سالیانه میلیون ها جلد کتاب با هزینه فراوان ارزی و ریالی جهت واردات کاغذ و مواد اولیه چاپ و دستگاهها قطعات یدکی مربوط به آنها از یک طرف و طول عمر متوسط کتاب که حداکثر ۹ ماه برای هر کتاب می باشد بیانگر اتلاف منابع و سرمایه های مادی کشور نیز می باشد.

به نظر می رسد فرایندی باید انتخاب نمود که به تدریج کتاب محوری از دستور کار نظام آموزشی کشور خارج گردد. چنانچه قبلاً گفته شد استفاده از دیگر ابزار آموزشی نظیر وسایل سمعی و بصری که تغییر و تحول در آنها آسان و ارزان است و استفاده از روش هایی نظیر آموزش از راه دور، تأکید بیشتر بر برنامه های آموزشی سیما جمهوری اسلامی و مجهز نمودن ویدئو کلوب ها و مدارس و دیگر مراکز تربیتی به نوارهای آموزشی اساتید و معلمان مجرب به عنوان شروع می تواند مدنظر متولیان نظام کشور قرار گیرد.

#### ۱-۵- معلم

معلمان یکی از ارکان آموزش و پرورش محسوب می گردند. در مورد مقام معلم و اهمیت آن در نظام ارزشی اسلام سخن بسیار گفته شده است. در اینجا ما سعی می کنیم مروری داشته باشیم به نقش معلم در بهینه نمودن سیستم آموزشی و همچنین نگاهی به مسائل و مشکلات رفاهی آنها نیز بنماییم.

چنانکه پیشتر گفته شد شیوه رایج در نظام آموزشی کشور ما اغلب به صورت تدریس مستقیم معلمان در کلاس دارد و این فرایند معمولاً یک طرفه می باشد و معلم سعی می نماید که از محفوظات خود که مبتنی بر مسائل مندرج در کتب درسی می باشد استفاده نماید. قبلاً نیز گفتیم که در این روش مدت ها است که در کشورهای توسعه یافته غربی منسوخ شده است.

در دهه گذشته مسئولان آموزش و پرورش جهت رفع نقیصه فوق کلاس های آموزش ضمن خدمت را طراحی کرده اند و به بازآموزی معلمان با استفاده از روش های جدید مبادرت ورزیدند. اما متأسفانه به علت وجود ضوابط و قوانین غلط اداری و اجرایی قادر به استفاده از خلاقیت ها و دانش و تجارب مطلوب خود پیرامون روش ها و فنون مؤثر تدریس در سطح کلاس ها نبوده و به سرعت باتوجه به مشکلات موجود اجتماعی به شیوه سنتی خود رجوع می نمایند.

شاید بتوان یکی از مهم ترین دلایل را در ایجاد این وضعیت بی انگیزه بودن معلمان و دبیران به علت مسائل و مشکلات مادی و رفاهی آنان ذکر نمودند.

این معضل حداقل در طول دو دهه اخیر به شدت مطرح بوده است و باعث گردیده که معلمان به شغل های دوم یا تدریس اضافی در مدارس دیگر یا تدریس خصوصی در کلاس ها و آموزشگاه های خصوصی گرایش پیدا می کنند.

معلمان فاقد امکانات ویژه نظیر بیمارستان و امکانات تفریحی می باشند. البته در سال های اخیر مقداری به وضعیت معلمان توجه گردیده و در اکثر استان ها خانه های معلم گسترش و توسعه نیافته و در بسیاری

موارد نیز نوسازی گردیده‌اند. به هر حال جا دارد که مسئولان و متولیان امر تمامی هم و غم خود را در یافتن منابع مالی جدید و پیش‌بینی حقوق مکفی برای یک زندگی عادی و متعادل برای معلمان به کارگیرند و از این مسیر باعث ایجاد انگیزه لازم در این قشر زحمت‌کش کشور گردند.

## ۱-۶- تصویر وضع موجود

### الف- بودجه

بزرگ‌ترین رقم بودجه سالانه کشور را آموزش و پرورش به خود اختصاص می‌دهد. در سال ۱۳۷۶ بخش جاری آن ۷۲۳۳ میلیارد ریال یعنی ۱۶ درصد کل بودجه جاری کشور و بخش عمرانی آن ۱۰۸۸ میلیارد ریال معال ۳/۵ درصد کل بودجه عمرانی کشور است.

اگر تعداد دانش‌آموزان را در همین سال ۱۷,۹۵۸,۰۰۰ نفر در نظر بگیریم متوسط سرانه هزینه جاری آموزش و پرورش برای هر دانش‌آموز ۴۰۲,۷۵۵ ریال می‌گردد که به ترتیب بیشترین هزینه سرانه از آن رشته‌های فنی حرفه‌ای، متوسطه، راهنمایی و سپس ابتدایی است.

در کشورهای دیگر دنیا هزینه‌های آموزش و پرورش در مقایسه با درآمد ملی رقیمی بین ۲ تا ۶ درصد را نشان می‌دهد که حدود ۹۵ درصد آن از محل مالیات و عواید محلی تأمین می‌شود ولی در کشور ما حدود ۹۵ درصد هزینه‌های آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت تأمین می‌گردد. این وضعیت و تفاوت عملکرد موجب شده است که احساس مسئولیت نسبت به تأمین هزینه‌های آموزش و پرورش نه تنها در مردم بلکه در مقامات محلی از بین برود و آموزش و پرورش هر سال به صورت سنگین‌ترین بار بر بودجه دولت فشار آورد و نتیجه آن کسری بودجه هنگفت آموزش و پرورش در بودجه سالیانه دولت است.

این مسئله باعث می‌گردد که هر سال در بررسی بودجه چه در دولت و چه در مجلس شورای اسلامی سؤالات اساسی درباره بازده اقتصادی آموزش و پرورش مطرح شود و منجر به پیشنهاد دادن راه‌حل‌های جایگزین شده است که البته تا امروز در اجرا موفق نبوده‌ایم. تشویق به احداث مدارس غیرانتفاعی و ایجاد مدارس نمونه مردمی مثال‌هایی از راه‌حل‌های جایگزین می‌باشند که جا دارد که وزارت آموزش و پرورش قبل از هرگونه تصمیمی در مورد این‌گونه مدارس به بررسی کارکرد آنها بپردازد و در فضایی کارشناسانه در مورد نحوه ادامه کار آنها تصمیمات مقتضی اتخاذ نماید.

### ب- دانش‌آموز

تعداد دانش‌آموزان مقاطع مختلف تحصیلی در سال ۱۳۷۶-۱۳۷۷ برابر ۱۸,۶۷۴,۶۷۳ میلیون نفر بوده است. از این تعداد حدود ۷۶ درصد در مقاطع ابتدایی و راهنمایی مشغول به تحصیل بوده‌اند و ۲۴ درصد نیز در دوره متوسطه به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

۸,۷۷۰,۸۳۳ نفر از دانش‌آموزان را در همین سال دانش‌آموزان دفتر تشکیل می‌داده‌اند (۴۷ درصد) و ۹,۹۰۳,۸۴۰ نفر پسر به تحصیل اشتغال داشته‌اند (۵۳ درصد) از این میزان، ۷۰۴ هزار نفر در مدارس غیرانتفاعی به تحصیل مشغول بوده‌اند که حدود ۳/۸ درصد کل دانش‌آموز مشغول به تحصیل در کشور می‌باشند.

در همین سال تعداد دانش‌آموزان مدارس نمونه مردمی برابر ۶۴۰ هزار نفر بوده است که این میزان نشانگر ۳/۵ درصد کل دانش‌آموزان مشاغل به تحصیل در کشور می‌باشد.

چنان‌که مشاهده می‌شود فقط ۳/۷ درصد از دانش‌آموزان از مدارس ویژه استفاده نموده‌اند و در مورد حدود ۹۲/۷ درصد دیگر تمامی بودجه تحصیل از بودجه عمومی دولت تأمین گردیده است.

### ج- نیروی انسانی

تعداد نیروی انسانی آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۷ برابر ۱,۰۲۳,۶۸۹ میلیون نفر بوده است که ۴۴۵ هزار نفر از این میزان را زنان و (۴۴ درصد) و مابقی یعنی ۵۶ درصد را مردان تشکیل می‌داده‌اند. توضیح پست‌های مختلف در همین سال بیانگر این می‌باشد که ۱۰/۳ درصد از کل کارکنان را کارکنان اداری، ۷ درصد را کادر خدماتی و ۱۴/۵ درصد کادر مدیریتی (سرپرست و معاون و...) و مابقی یعنی حدود ۶۸ درصد را کادر آموزشی تشکیل داده‌اند.

از بررسی عدد فوق یعنی ۱,۰۲۳,۶۸۹ نفر به تعداد دانش‌آموزان یعنی ۱۸/۶ میلیون نفر متوجه می‌گردیم که به‌طور متوسط در مقابل هر پرسنل آموزش و پرورش حدود ۱۸/۲۰ نفر دانش‌آموز وجود دارد که اگر بخواهیم به تفکیک حساب نماییم بدین گونه خواهد بود که:

در مقابل ۲۷ نفر دانش‌آموز یک نفر کادر آموزشی (معلم یا دبیر)

در مقابل ۱۷۷ دانش‌آموز یک نفر کادر اداری

و در مقابل ۲۶۲ دانش‌آموز یک نفر کادر خدماتی

مشاهده می‌گردد کادر پرسنلی علی‌الخصوص در قسمت‌های اداری و خدماتی ناکافی می‌باشد.<sup>۱</sup>

## فصل ۲- تربیت

نگرش نظام آموزش و پرورش فعلی، نگاهی آموزشی است و تربیت تنها بخشی از امور فوق برنامه را دربر می‌گیرد. فعالیت‌های مدارس در همه ابعاد از تربیت و پرورش فاصله گرفته و صرفاً انباشت ذهنی مدنظر است. مدیران و معلمان نیز تنها به انجام بخشی از وظایف خویش روی آورده‌اند. این درحالی است که اولین وظیفه دستگاه آموزش و پرورش تربیت دینی، کسب فضائل اخلاقی، مکارم دینی، پاسداری از ارزش‌ها و التزام به احکام است.

مدیریت مدارس نقش مهمی در این امر دارد. از سوی دیگر باید تأثیر نقش الگویی معلم و تدریس پنهان را که از خلال شخصیت معلم جاری و ساری است مورد توجه قرار دهیم.

### ۲-۱- کتاب

در حال حاضر درس دینی را یک درس جداگانه قرار داده‌ایم، آن هم با جاذبه‌های کم و با کتاب‌های نه چندان جذاب. بلکه در بعضی از سطوح، هم‌گیر نیست و هم عمق ندارد.

کتاب عربی مدارس نیز به جای محقق ساختن هدف فهمیدن متون عربی رایج، یعنی قرآن، حدیث، نهج البلاغه و دعا‌های ائمه علیهم السلام، به آموزش مکالمه و قواعد عربی اهتمام دارد. درحالی که ائمه به ما درس دین داده‌اند. ما این درس را می‌خوانیم ولی معنای آنها را در نمی‌یابیم.

۱. آمار آموزشگاه‌ها، دانش‌آموزان و کارشناسان، سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۷، دفتر هماهنگی و تلفیق طرح‌ها و برنامه‌ها.

## ۲-۲- معلم

ارزش انسان چه در هدف آفرینش او، یعنی رسیدن به علم و معرفت نهفته است. ارزش معلم نیز در ارتباط با هدف آفرینش آدمی تبلور یافته و معلوم می‌شود. معلم انسان را به «خود او» و هویت اصیل او می‌رساند. اگر معلم الهی نباشد، انسان حلقه‌ اتصال برای رسیدن به خدا و هدف خلقت خویش نخواهد داشت. این هدف بس مهم تنها از معلمان و دانشمندانی که خود در مراتب بلند علم و عمل و تعلیم و تزکیه قرار دارند محقق می‌گردد.

این آگاهی شخص عالم را متعهد می‌کند که آنچه را دریافت کرده به کسی که چنین دریافتی ندارد منتقل کند که این تعلیم است. عالم نسبت به دیگران حیات بخش است، چون علم خودش حیات است. جاهل دستش از این ماده حیاتی خالی است، لذا بعد از موت طبیعی در این عالم هیچ ادامه حیاتی ندارد. در نظام تربیت دینی می‌باید تمام علوم مادی و معنوی جهت الهی داشته باشد و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به سوی او رهنمون گردد. علوم زمانی چنین نقشی می‌یابند که از نفسی مزکی انتقال یابند که خود بقا و کمال انسان را در تقرب به خداوند می‌بیند. معلمان باید به خوبی این معنا را دریابند که در جایگاه انبیای نشسته‌اند.

## ۲-۳- امور پرورشی

هدف اصلی نظام تربیتی اسلام اتمام مکارم اخلاق است.<sup>۱</sup> در بین تمام عوامل تحقق این هدف، پایه و ریشه، آموزش و پرورش است. گاهی شنیده می‌شود که ما می‌توانیم در وزارت آموزش و پرورش برنامه‌های تربیتی هم داشته باشیم. ولی وظیفه و رسالت آموزش و پرورش نیست. شاید برخی نیز در طراحی نظام جدید متوسطه چنین امری را در پس ذهن خود داشته‌اند. بعضی معتقدند که حکومت کاری به این کارها ندارد! اگر آزادی و دموکراسی کامل برقرار باشد و مردم آزاد گذاشته شوند، بر مبنای فطرت و تشخیص خود راه صحیح را انتخاب می‌کنند. مهم این است که در جامعه آزادی باشد و موانع منفی و انحرافی وجود نداشته باشد، درست چیزی شبیه به آنچه هم اکنون در غرب وجود دارد.

درحالی که آدم سازی مقدم بر عالم سازی است و هدف اصلی انبیاء و اولیای الهی نیز آدم سازی بوده است و آنان بدین جهت معلم نام گرفته‌اند. چراکه اصل بر تزکیه و عام مزکی است و اگر علمی انسان را به سوی خداوند رهنمون نگردد باید مورد بررسی قرار گیرد.

در ابتدای انقلاب شاهد برپایی نهاد امور پرورشی بودیم که از توجه شهید باهنر به امور تربیتی نشأت می‌گرفت. نباید وظایف این نهاد به برگزاری صبحگاه، پخش پوستر، جشن و چراغانی و اردوهای تابستانی و به‌طور کلی تعظیم برخی شعائر و ظواهر محدود گردد. بلکه باید با تقویت جدی این نهاد و همکاری کلیه شاخه‌های آموزش و پرورش در این راستا، عمق لازم به امور تربیتی بخشیده شود.

۱. انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق.

#### ۳-۱- نظام جدید آموزش و پرورش در ایران

موضوع تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۴ پس از تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شد و وزارت آموزش و پرورش موظف گردید که طرح نظام جدید آموزش و پرورش را برای بحث و بررسی و تصویب به این شورا تقدیم نماید و به همین منظور دستور تشکیل شورای تغییر بنیادی آموزش و پرورش را صادر کرد. شورای یاد شده طرح پیشنهادی را در سال ۱۳۶۶ تهیه نمود و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم نمود که در نهایت این طرح در خرداد ماه سال ۱۳۶۷ با نام «طرح کلیات تغییر نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» به تصویب رسید.

در راستای عملیات شورای تغییر نظام آموزش و پرورش - موضوع تبصره ۱۴ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - لایحه تغییر نظام آموزش و پرورش در مجلس شورای اسلامی مطرح می‌شود که لایحه در مجلس دنبال نمی‌گردد و در نهایت طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی با ایجاد سه هیئت تصویب می‌شود که عبارت بودند از:

۱- شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش؛

۲- هیئت اجرایی آموزش و پرورش متوسطه نظام جدید؛

۳- هیئت نظارت بر اجرای نظام جدید آموزش و پرورش کشور.

متأسفانه از همان ابتدا تغییراتی در اجرای این مصوبه از سوی وزارت آموزش و پرورش انجام گرفت که از جمله می‌توان حذف تعدادی از اعضای شورا به ویژه معاونت پرورشی را نام برد که مورد اخیر به دلیل حذف یا کم رنگ شدن مسائل پرورشی در شورا انجام گرفت که این موضوع طی نامه وزیر وقت آموزش و پرورش به ریاست محترم وقت و با دلیل عدم سنخیت بسیاری از مسائل مطروحه در شورا با مسئولیت‌های معاونت پرورشی عنوان شده بود.

در نهایت شورای تغییر نظام به دو گروه برای تغییر نظام آموزش و پرورش متوسطه و نظام آموزش و پرورش عمومی (ابتدایی ایجاد و راهنمایی) تقسیم گردید. در گروه اخیر معاون پرورشی وزارت پذیرفته نشد تا عرصه فعالیت تغییر نظام آموزش و پرورش متوسطه بیشتر جنبه آموزشی به خود بگیرد. با کم رنگ شدن ماهیت تربیتی و پرورشی تغییر نظام، عنوان فعالیت هم به نام «تغییر نظام آموزش متوسطه» اعلام گردید.

بنابراین نظام جدید متوسطه که با هدف از بین بردن تنگناهای نظام قدیم شامل:

۱- نداشتن پوشش مناسب بر جمعیت دانش‌آموزی این دوره؛

۲- ناتوانی در نگه‌داری دانش‌آموزان؛

۳- تراکم دانش‌آموزان در دو رشته انسانی و تجربی؛

۴- ترک تحصیل؛

۵- تکرار پایه و افزایش طول مدت تحصیل؛

۶- تربیت همه دانش‌آموزان متوسطه برای آموزش عالی؛

۷- ترکیب نامتوازن دروس و نیاز به دبیر تخصص؛

۸- وابستگی ارزش دروس به یکدیگر طراحی شده بود، ضمن برطرف نمودن برخی از مشکلات فوق، تنگناهای جدیدی ایجاد کرد که منجر به یک مسئله اجتماعی گردید.

شاید مهم‌ترین مشکل نظام جدید کم‌توجهی به تربیت دینی بوده است. کما این که در یکی از نظرسنجی‌های انجام شده از جامعه مدیران و مربیان پرورشی دبیرستان‌های نظام جدید، ۷۱ درصد افراد نمونه معتقد بودند که به ترتیب دینی اصلاً توجهی نشده و مورد غفلت اساسی واقع شده است. این در حالی است که اصلاً یکی از اهداف اصلی نظام آموزش و پرورش کشور گسترش و تعمیق معارف اسلامی و ایجاد تربیت اسلامی است تا استعدادها و عواطف فکری جوانان کشور شکوفا شده و رفتار و شخصیت آنان در راستای متجلی ساختن ارزش‌های دینی هدایت گردد. چنان‌که حضرت امام خمینی در تبیین این مطلب می‌فرماید:

« اگر خدای نخواست در دبستان‌های ما که بچه‌ها می‌روند ... و در دبیرستان‌هایمان که جوان‌ها می‌روند، تهذیب نباشد و ادب اسلامی در کار نباشد و از علوم اسلامی و احکام اسلامی خبری نباشد رو به زوالیم». همچنین ۷۳ درصد گروه مورد بررسی معتقد بودند که در نظام جدید توجه خاصی به مسائل پرورشی نشده است.

مسئله مهم دیگر ایجاد اوقات فراغت دانش‌آموزان در خلال ساعات آموزش است که چون نظم و برنامه خاصی ندارد دست‌اندرکاران را در نوعی سرگردانی فرو برده است. بی‌نظمی در ورود و خروج و وجود چندین گروه دانش‌آموزان در سنین مختلف و رشته‌های غیرمرتبط، امکان هدایت و برنامه‌ریزی را با مشکلات متعدد مواجه ساخته است. به طوری که بنا به نظر ۸۳ درصد از گروه مورد مطالعه، افزایش مشکلات و مسائل اخلاقی به دلیل رها بودن دانش‌آموزان مشاهده شده است.

در نظر سنجی دیگری که در مهرماه سال ۱۳۷۵ در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «بررسی مسئله اوقات فراغت در نظام جدید آموزش متوسطه» در ۱۰ منطقه آموزشی شهرهای اصفهان و تهران انجام گرفت چنین نتیجه گرفته شد که «پراکندگی ساعت کلاسی و رفت و آمد دانش‌آموزان به دبیرستان‌های دیگر باعث اختلال در نظم و انضباط دبیرستان‌ها شده است و امور تربیتی در زمینه پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان مؤثر و موفق نبوده و بالعکس پراکندگی ساعات حضور دانش‌آموزان در دبیرستان باعث کم‌رنگ شدن فعالیت‌های پرورشی شده است».

بر اساس این مطالعه از نظر مدیران و مربیان مهم‌ترین و رایج‌ترین مشکلات دانش‌آموزان در حین گذراندن اوقات فراغت انجام اعمال خلاف اخلاق در خارج از دبیرستان و افت تحصیلی بوده است. به هر صورت پس از گذشت ۷ سال مجلس شورای اسلامی طرح را غیرقانونی اعلام نمود و خواستار ارائه طرح پیشنهادی به مجلس گردید و مقرر گردید که طرح پیش‌نویس لایحه تغییر نظام ظرف مدت ۶ ماه به مجلس تقدیم گردد.

امید است با رفع مشکلات نظام جدید در لایحه پیشنهادی و کار کارشناسی مجلس شورای اسلامی بتوان ضمن قانون‌مند کردن تغییر نظام آموزشی گام‌هایی استوار در راستای شکوفایی استعدادهای دانش‌آموزان کشور بر مبنای تربیت دینی برداشته شود.

### ۲-۳- نظام آموزشی در بعضی از کشورها

در کشورهای توسعه یافته غربی اصولاً سه نوع آموزش و پرورش وجود دارد که عبارتند از:

۱- نظام آموزشی کشورهای لاتین (فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و...)

۲- نظام آموزشی انگلیسی - امریکایی

۳- نظام آموزشی آلمانی (ژاپنی)

۱- نظام آموزشی کشورهای لاتین: کامل ترین نمونه آموزشی در این کشور را فرانسه دارد. این نظام که نظام

آموزشی مانیز از آن اقتباس گردیده و شدیداً تحت تأثیر آن می باشد به دو اصل عمده استوار است:

الف- تقدم معلومات و محفوظات بر رشد درک و تعقل

ب- برتری رعایت انضباط و مقررات بر رشد حس کنجکاوی و ابتکار دانش آموزان

هرچند نظام سنتی آموزشی در فرانسه بارها و بارها اصلاح گردیده اما هنوز هم آثاری از آن به چشم

می خورد. دوران آموزش کلاً در این کشور به سه دسته تقسیم می شود:

مرحله ابتدایی - مرحله متوسطه و مرحله مراحل ابتدایی و متوسطه هر کدام حدوداً ۶ سال است. بنیان

آموزش در هر دو مرحله اول یعنی ابتدایی و راهنمایی درست مانند کشور ما بر موفقیت در آزمون هر سال

است.

۲- نظام آموزشی انگلیسی - امریکایی: این نظام آموزشی براساس رشد تعقل و درک دانش آموز از طریق

آزمایشگاه های متعدد بنا گذاشته شده است. دانش آموزان می توانند این آزمایش ها را به طور فردی یا

گروهی انجام دهند و باهم بحث و مشورت کنند. مربی و معلم جز راهنمایی و پاسخگویی به پرسش های

دانش آموزان هیچ نقشی در کلاس ندارند. البته نظارت کامل به رشد و پیشرفت از نظر تعقل دقت نظم و

برنامه ریزی... دارند.

در این نظام هم سه مرحله اولیه متوسط و عالی وجود دارد. در مرحله اول هر کدام شش سال و در پایان

هر مرحله به دانش آموز گواهی می دهند. این گواهی نامه وضعیت تحصیلی دانش آموز را من

حیث المجموع منعکس می نماید و حاوی پیشنهاداتی نیز برای نحوه ادامه تحصیل یا آینده شغلی

می باشد. در این نظام آموزشی اگر فارغ التحصیلان پس از پایان دوره اول یا دوم جنب بازار کار می شود و

تعداد کمی برای ادامه تحصیل وارد دوره دانشگاهی می شوند. این نظام بر امتحانات سالیانه و پایان

دوره ای تکیه چندانی ندارد و دانش آموز در طی سال تحصیلی همیشه مورد بررسی و دقت نظر معلمان

قرار دارد. در سال های بعد از کودتای ۱۳۳۲ این نظام برای دوره کوتاهی در مقطع ابتدایی در کشور ما

اجرا شد که کاملاً ناموفق بود به همین دلیل حذف شد.

۳- نظام آموزشی آلمان: در این نظام تمام دانش آموزان موظفند یک دوره هشت ساله را که موسوم به «مدرسه

مردمی» باشد طی نمایند و تمام تعالیم مورد نیاز عموم را یاد بگیرند. در این سیستم از آموزش عملی و

تجربی هم استفاده می شود. پس از اتمام این دوره هشت ساله آموزش به دو بخش تقسیم می شود. بخش

عمده فارغ التحصیلان به مدارس حرفه ای راه پیدا می نمایند که در آن تمامی رشته های متداول وجود

دارد. هدف اصلی این مدارس تربیت متخصص مورد نیاز بازار کار و تولید است.

دوره این مدارس حداکثر سه سال است. البته دوره های کوتاه مدت نیز در آن وجود دارد. این مدارس

حدود ۸۰ درصد فارغ التحصیلان دوره اول را در خود جای می دهد. ۲۰ درصد باقیمانده نیز به مدارس

دیگری راه پیدا می نمایند که دوره آن ۴ سال است نظیر دبیرستان های خودمان می باشد. سطح تعلیمات این مدارس بالاتر و تخصصی تر است. هدف اصلی این مدرسه ها تربیت و دانش آموزانی است که بتوانند به دوره های دانشگاهی راه پیدا کنند. به هر حال کل دوره آموزش ابتدایی و متوسطه حدود ۱۱ الی ۱۲ سال می باشد. قسمتی از نظام آموزشی جدید کشور ما که مدارس کار و دانش می باشند ظاهراً از این نظام اقتباس گردیده است.

#### فصل ۴- رهیافت

- عالم شدن افراد، دائره المصالح مشترک آنها را توسعه داده و پیوستگی اجتماعی میان آنها ایجاد می کند و ضامن تعاون و همکاری مشترک افراد می باشد.
- آموزش زیربنای توسعه اقتصادی است. اهمیت تعلیم در عصر جدید به علت پیشرفت علوم و تطبیق عملی آنها و ابتکار صنایع بزرگ ابزاری، بیشتر جلب توجه می کند.
- آموزش، مردم یک کشور را به شناسایی احوال آن و فهم مشکلات و آمادگی برای حل آن مشکلات و آشنایی به حقوق و وظایف خود رهنمون می سازد و در نتیجه معلوم می شود که تحقق حکومت مردمی جز در سایه آموزش میسر نیست. طغیان و استبداد در سایه جهل و بی سوادگی، میدان وسیعی برای خود می یابد.
- اسلام برخلاف مکتب های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه، پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار نموده است و موانع و مشکلات سرراه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. در پرتو این نگاه و دریافت از اسلام است که ظرفیت تربیتی دین و محدوده تربیت دینی فراتر از خزیدن به گوشه انزوای وظایف فردی می گردد و از این رهگذر است که مسئولیت اجتماعی در عین سیرابی از منبع عقلانیت، به عنوان وظیفه دینی، خود جزئی از سلوک انسان به سوی کمال می شود.
- آموزش و پرورش باید عادت به مطالعه، تفکر و درست اندیشیدن را در دانش آموزان پرورش دهد و آنان را از تنبلی، بی حوصلگی و سهل انگاری و سهل اندیشی دور سازد. امروز استکبار و صهیونیسم جهانی با تمام قوا و ابزارها در جهت غفلت ملت ها و جلوگیری از تفکر صحیح آنها گام برمی دارند و تنها ملتی می تواند در مقابل این ترفند سلامت خود را حفظ کند که از کودکی درست اندیشیدن را بیاموزد.
- برخلاف برخی از دیدگاه ها که معتقدند حکومت کاری به امور تربیتی و جهت دادن آن ندارد و به صرف آزادی و رفع موانع، مردم بر مبنای تشخیص خود راه صحیح را انتخاب می کنند، نظام اسلامی تعلیم و تربیت الهی را رسالت حتمی خود می داند و معلمان به جانشینی انبیا می باید در اتمام مکارم اخلاق خود و متر بیان خود کوشان باشند.
- علم از اسما الهی است و علوم از خداوند نشأت می گیرد. پس همه علوم مفید باید به سوی او رهنمون سازد. نظام تعلیم و تربیت دینی باید به گونه ای طراحی و اجرا شود که پرورش یافتگان آن همه حرکت ها، همه قدرت ها و همه آثار را از او ببینند. در غیر این صورت باید در نظام آموزشی شک کرد.

- نظام آموزش و پرورش در کشور باید به گونه‌ای متحول شود که از وضعیت فعلی یعنی تکیه بر محفوظات ذهنی معلمان و انتقال آنها به صورت یک‌سویه به دانش‌آموزان به کلی خارج شود و بر اساس یک نظام دوسویه نقش دانش‌آموز در فرایند یادگیری و تعلیم و تعلم افزایش یابد.
- استفاده از روش‌های آموزشی جدید و عدم اتکا صرف به روش آموزشی فعلی یعنی استفاده از تخته سیاه و گچ و کتاب‌های درسی به عنوان تنها ابزارهای آموزشی می‌تواند نقش مؤثری در بهینه شدن فرایند آموزش و پرورش در کشور داشته باشد.
- تبیین اهداف جدید با توجه به وضعیت فعلی اقتصادی کشور و همچنین رشد جمعیت، برای آموزش و پرورش امری ضروری به نظر می‌رسد. جا دارد که متولیان امر با بازبینی در اهداف و روش‌های موجود هدف از برگزاری هر یک از مقاطع را به‌طور روشن بیان نمایند.
- معلم در کشور ما یکی از ارکان اصلی آموزش و پرورش می‌باشد. توجه به مسائل رفاهی و مشکلات اقتصادی آنان و ایجاد انگیزه برای ادامه خدمت می‌تواند نقش مهمی در پربار شدن هر چه بیشتر فرایند آموزش و پرورش ایفا نماید.
- آموزش و پرورش نقشی اساسی در ارتقای فرهنگ و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد و سرمایه‌گذاری در این بخش حائز اهمیت و پرثمر است. ولی در کشور ما هزینه آموزش و پرورش برای دولت بسیار بالاست که با توجه به سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی روشن می‌گردد. بررسی روش‌هایی که منجر به مشارکت بیشتر خانواده‌های برخوردار در تأمین بخشی از هزینه‌ها شود و هرگونه روشی که به‌طور معقول و کارشناسی موجب کاهش استفاده از بودجه عمومی گردد مثمر‌تر است.